

بودند چهل سال پیشتر می گذرد و درست یادم نیست در فرانسه خوب درس خوانده دکتر یا مهندس شدند یا نه.

۶۹ - شه منش ، ضیاءالدین ، این شخص عزیز و گرامی نیز که آن زمان جوانی مذهب ، تربیت شده ، خوش لباس و شیک پوش و از خانواده محترمی بودند موقع عزیمت به فرانسه لیسانس حقوق یادگترای پزشکی نداشتند ، فقط دیپلمه متوسطه از رشته ادبی دارالفنون بودند ، در فرانسه رشته فلسفه و ادبیات را خیلی خوب خوانده و درجه دکتری گرفتند ، بعد از مراجعت بایران حدود سالهای ۴۱ یا ۱۳۴۲ در دانشگاه تهران بافتخار زیارتشان نایل شدم که استاد یامعاون دانشکده ادبیات بودند .



۷۰ - شبیانی ، اسدالله - شبیانی ، سمدالله ، هر دو نفر این شخصیت‌های محترم و ارجمند که در آن زمانها جوانانی مذهب ، تربیت شده ، خوش لباس و شیک پوش و از خاندان جلیل شبیانی‌ها که گویا اصلا کاشانی هستند و هر دو دیپلمه متوسطه بودند و لیسانس حقوق یادگترای پزشکی نداشتند ، در فرانسه هر دو بسیار خوب درس خواندند و از محصلین برجسته خارجی آنجا بودند و هر دو درجه دکتری گرفتند یادم نیست هر يك در کدام رشته و پس از مراجعت بایران هر دو نفر مصدر خدمات و مشاغل مهمی شدند از استادی دانشگاه ، ریاست و مدیریت کل وزارتخانه‌ها و یکی از آنها که نمیدانم کدام يك بوده مدتی معاونت دانشگاه تهران را بعهده داشتند .

۷۲ - شیرازی ، محمد اسمعیل ، نسبت باین شخص عزیز و محترم چیزی بخاطر ندارم و یادداشت‌هایم هم در دسترس نیست همینقدر یاددارم موقع عزیمت بارو یا دیپلمه متوسطه بودند لیسانس و دکتری نداشتند .

۷۳ - صباحی امین ، تقی ، خاطر ارام

-۵-

اعزام

نخستین گروه محصلین به اروپا



۶۸ - شمس ، سید جلیل ، نسبت باین شخص عزیز و محترم چیزی بخاطر ندارم جز اینکه موقع مسافرت بارو یا دیپلمه متوسطه ، جوانی مؤدب ، مذهب ، خوش لباس ، شیک پوش و از خانواده‌های محترمی

راجع بایشان مانند شیرازی است .

۷۴ - صمدی ، ابوالقاسم ، موقع سفر باروپا فارغ التحصیل مدرسه عالی طب یا دانشکده پزشکی و دکتر ، جوانی در آنوقت مذهب ، مؤدب خوش لباس ، و بسیار باهوش و با استعداد بودند در فرانسه رشته پزشکی را با شایستگی و لیاقت دنبال کرده دکترای مجدد تخصصی گرفتند ، در مراجعت بایران درست نمیدانم آیا استاد دانشگاه هم شدند یا خیر ؟ همینقدر اطلاع دارم که پزشک حاذق و مرموفی بوده و در خیابان شاه آباد ، باغ سه سالار ، اگر اشتباه نکنم مطب دائر کردند که گویا هنوز هم دائر است و زنده هستند که خداوند سلامت و طول عمر بایشان اعطاء فرماید .

۷۵ - صورتگر ، لطفعلی ، بعد کافی شهرت داشتند ، پنج سال پیش بر حمت خدا پیوستند ، اهل شیراز ، از خانواده علم و هنر ، شخصی درویش مسلک و دارای طبیعی سرشار و استعداد کم نظیر ، اطلاعات ادبی وسیع ، و شاعری نغز گفتار ، دوره متوسطه را یادم نیست در شیراز . هند یا تهر . آن تمام کرده بود و هنگام سفر باروپا لیسانس و دکترای نداشت ، شعر را محکم و بسبب قدمای سرود در انگلستان رشته ادبیات را دنبال کرد و دکترای گرفت و با یک دوشیزه فاضله انگلیسی وصلت کرد که حالیه بعد از رحلت استاد بانوئی دانشمند هستند و گویا در دانشگاه پهلوی شیراز تدریس می نمایند ، در تلویزیون ملی ایران بمناسبت پنجمین سال درگذشت آن مرحوم سخنانی گفته شد .

۷۶ - فتاحی ، فتح الدین ، این بنده نگارنده هستم که پیش از شرکت در امتحانات مسابقه دارالمعلمین مرکزی تهران واقع در سبزی کاری امین الملك (محل فعلی خیابان فرهنگ بین شاپور و امیریه)

بریاست مرحوم میرزا ابوالحسن خان فروغی دیده بودم و در مدرسه عالی علوم سیاسی قدیم تا سالهای آخر ، دوره اش پنج ساله بود ، بریاست مرحوم علامه علی اکبر دهخدا درس خوانده ، و در تشکیلات جدید دادگستری بوسیله مرحوم علی اکبر داور بخدمت عدلیه دعوت شده و با رتبه اداری ، در اداره ثبت اسناد ، و دفتر پارکه بدایت (دادسرای) تهران ، در عین ادامه تحصیل با اجازة وزارت دادگستری ، خدمت می کردم ، پدرم مرحوم میرزا عبدالله خان مبین الملك از صاحب منصبان عالی رتبه دربار قاجاریه ، و وزارت کشور دوره اعلیحضرت رضاشاه کبیر بود .

۷۷ - فرزاد ، مسعود ، این شخص عزیز و دانشمند هم هنگام عزیمت به اروپا لیسانس یا درجه دکترای نداشتند ، انگلیسی خوب می دانستند و با انگلستان فرستاده شدند ، از خانواده محترم ، و آن زمان جوانی مؤدب مذهب ، خوش لباس و منظم ، از بین رشته های علوم با ادبیات ، فلسفه ، تاریخ و جامعه شناسی علاقه داشتند ، ندانستم هرگز هم از خود ایشان نپرسیدم چرا در انگلیس درجه دکترای نگرفتند و زود بایران برگشتند ، ایشان در خیابان قوام السلطنه جنوبی ، نرسیده بکتابخانه ملی ، مقابل اداره سابق نظام وظیفه ، عمارت و خانه داشتند به نام « انتخابیه » که با اصطلاح دلالتها دهنش بود ، سمت شرق در بیخیابان قوام السلطنه و شمال در دیگری بکوچه که حالا هم کاشی انتخابیه دارد ، این خانه و عمارت گویا از طرف مادر بایشان ارث رسیده بود ، بین سالهای ۱۳۱۱ تا اوائل ۱۳۱۴ گروهی با مرحوم صادق هدایت ، بتعداد جمعا هفت نفر ، با این عده دوهرم در آن عمارت انتخابیه گردمی آمدیم

که بنده جریان آنرا بطور اختصار در حاشیه ها و او آخر کتاب سفر نامه میرزا قاتح خان گرم رودی بقلم آورده و حالیه این استاد دانشمند در دانشگاه پهلوی تدریس می کنند و نزدیک بسی سال است ایشان را ندیده ام .

۷۸ - فسیحی ، دکتر فصیح ، آن مرحوم و جوان ناکام پیش از سفر باروفا فارغ التحصیل مدرسه عالی طب و یادانشکده پزشکی تهران و دارای درجه دکتری پزشکی و جوانی بی اندازه لایق ، با استعداد ، خوش اندام ، قدری بلند بالا ، شیک پوش ، مذهب ، و پیش همه محصلین ایرانی محبوب ، عزیز و گرامی بودند ، افسوس و هزار افسوس که در عنفوان جوانی با آن همه استعداد ، لیاقت ، محبوبیت ، امید و آرزوی خدمت در یکی از شهرهای فرانسه بیمار وفوت و یا بطوریکه در آن کتاب سفر نامه جزء مطالب پراکنده نوشته ام در حقیقت بعلمت سهل انگاری و بی - مبالاتی عمدی یا خدایمانند سهوی مسئولین سرپرستی وعدم معالجه و مداوای بموقع مثل این است که کشته شد .

۷۹ - فروتن ، غلامحسین ، موقع سفر باروفا لیسانس و دکترا نداشتند و فقط دیپلمه متوسطه بودند ، در فرانسه چه کردند و چه خواندند و چه درجه علمی گرفتند یادم نیست ، تأثر خاطر حاصل از یادآوری رحلت جوان ناکام دکتر فسیحی به آن وضع حزن انگیز در ولایت غربت مانع از ادامه نگارش گردید ، و نسبت به آقای فروتن بهمین قدر اکتفای کند .

۸۰ - فریور ، غلامعلی ، موقع مسافرت بفرانسه دیپلمه شعبه ریاضی متوسطه دارالفنون

ویکی از جوانهای خوش لباس ، شیک پوش ، زیبا و خوش اندام و مذهب و تربیت شده بود لیسانس حقوق و دکتری پزشکی نداشت سال اول ورود بفرانسه در شهر گرنبل بتحصیل پرداخت در آن شهر و سپس پاریس در رشته مهندسی برق و ماشین با امتیازات عالی فارغ التحصیل و مهندس شد ، پس از مراجعت بایران در دانشگاه تهران باستادی و ادارات دیگر اشتغال یافت و در یکی از کابینه ها به وزارت پیشه و هنر و صنایع و کالت هم نایل گردید .

۸۱ - قاسمی ، مرتضی ، پیش از سفر باروفا دیپلمه متوسطه بود و لیسانس و دکترا نداشت در فرانسه درست یادم نیست گوید در رشته حقوق درجه دکترا گرفت .

۸۲ - قره گزلی ، محمد ، از خانواده قره گزلی معروف و محترم همدان ، وقت سفر بفرانسه دیپلمه متوسطه ، جوانی مذهب ، اصیل ، نجیب ، متمول ، خوش لباس و خوش برخورد خون گرم و شیک پوش بود لیسانس حقوق و دکتری پزشکی نداشت در فرانسه یادم نیست گویا درجه مهندسی گرفت .

۸۳ - عدل ، طباطبائی ، مرتضی از اهالی تبریز و از خانواده های اصیل تبریز و خاندان معروف عدل طباطبائی ، موقع سفر باروفا دیپلمه متوسطه ، جوانی مؤدب ، نجیب ، تربیت شده ، شیک پوش و خوش لباس و خون گرم و خوش برخورد بود لیسانس و دکترا نداشت و اگر حافظه ام خطا نکند در فرانسه خوب درس خواندند و درجه مهندسی گرفتند .

۸۴ - عروضی ، هاشم ، نیز دیپلمه جوانی مؤدب و مذهب و نجیب بود ، پیش از سفر باروفا لیسانس و دکترا نداشت در فرانسه خیلی خوب درس خواند و درجه مهندسی

گرفت .

۸۵ - عزیزی ، محسن ، هنگام
عزیمت بفرانسه دیپلمه متوسطه ، جوانی
بود بسیار خوشگل ، با گونه‌ها و لپ‌های سرخ
مثل گل محمدی و گل سرخ ، چهره سفید ،
خیلی خوش لباس و شیک پوش و اغلب پاپیون
های زیبا ، بجای کراوات می زد ، و در خوش
لباسی و شیک پوشی و نظم و ترتیب حتی
و سواس داشت خیلی مؤدب ، محجوب و مهذب
بود سال اول ورود بفرانسه در لیسه شهر
کوچک تورنو با این بنده هم کلاس بود ،
خیلی خوب درس می خواند و استعداد و لیاقت
و هوش سرشاری داشت با اینهمه سرپرست
محصلین در پاریس از روی عناد و سماجتی که
نسبت به بسیاری از دانشجویان روا می داشت
اجازه نداد و نگذاشت عزیزی در سالهای اول
وارد دانشگاه بشود بقولش پنج و بقول
دیگر هفت سال ایشان را بی جهت و بی سبب
در مدرسه های متوسطه ، لیسه ها ، و بناوین
مختلف و غیرموجه معطل کرد با اینهمه محسن
استقامت و رزید و با اصطلاح عوام از رونرفت
عاقبت بهر قیمتی بود بر همه موانع غلبه کرد
وارد دانشگاه شد و با امتیاز درجه دکتری
در رشته حقوق و اقتصاد گرفت ، پس از مراجعت
بایران مدتی در اداره قضائی بانک کشاورزی
بکار پرداخت و بعد باستادی دانشکده حقوق
دانشگاه تهران برگزیده شد و چندی هم
معاون آن دانشکده بود ، تالیفات سودمند
و کتابهای قطوری در تاریخ سیاسی و اقتصادی
و حقوق دارد که از طرف دانشگاه چاپ و
منتشر شده و اکنون معاون دانشکده علوم
سیاسی وابسته به حزب ایران نوین است .

توضیح

در رشته مقالات و نامهائی که از شماره
۳۷ تا ۴۰ آن مجله گرامی بقلم این حقیر
با وجود اصلاحاتی که در شماره ۳۹ یادآوری

شده باز بعلت قصور توضیحاتی لازم است
استدعا می کنم مقرر بفرمایند بشرح زیر درج
گردد :

۱ - اخوی ، مرتضی ، مسلم است که
پیش از عزیمت بفرانسه دکترای پزشکی از
دانشکده یا مدرسه عالی طب تهران را
داشته و در فرانسه رشته پزشکی را دنبال
نموده دکترای مجدد دریافت کرد و تقوی -
(مهدی) لیسانسیه حقوق در تهران بود و
در فرانسه دکترای حقوق گرفت .

۲ - اسکندانی ، اسدالله - دیپلمه
متوسطه و برای تحصیل حقوق بفرانسه اعزام
شد و نام خانوادگی ایشان در مجله اشتباهاً
اسکندرانی چاپ شده بود .

۳ - نام کوچک آقای سهیلی مندرج
در ردیف ۶۱ صفحه ۴۲ شماره ۴۰ آن مجله
گرامی نیز که نوشته بودم یادمانده جواد
بوده که دیپلم متوسطه داشتند و برای معامی
علوم طبیعی بفرانسه اعزام شدند و درجه
دکتری گرفتند و ایشان از خانواده های سهیلی
رشتی و با مرحوم سر تیپ حسن سهیلی افسر
شهربانی خوشاوند بودند .

۴ - در حروف ، ش ، هم آقای مهندس
علی اکبر شروقی به سبب اشتباه بنده از قلم
افتاده است این دوست عزیز و گرامی هنگام
شرکت در امتحانات مسابقه و سفر بفرانسه
دیپلم متوسطه داشتند و جهت تحصیل در رشته
مهندسی برق اعزام شدند و درجه مهندسی
گرفتند و پس از آمدن بایران تا مدیر کلی
اداره یا سازمان برق تهران نیز نایل گردیدند
و جزء محصلین اعزامی مهرماه ۱۳۰۷ بودند
اکنون نیز منزلشان نزدیک های پل رومی
خیابان شمیران است و اغلب زیارتشان می -
کنم .

۵ - سمعی ، محمد نصیر ، ردیف
اسامی ۵۹ مندرج در صفحه ۴۳ شماره ۴۰

ان مجله هم که عرض کرده ام از خانواده های معروف و محترم سمعی های رشت بودند همان شخصیت محترمی هستند که در فرانسه درجه مهندسی گرفتند .

۶ - نام شخص ردیف ۴۶ مندرج در صفحه ۴۱ شماره ۴۰ آن مجله نیز امانت اله روشن زائر بوده و نه روشن زاده که درجه دکترا گرفتند .

۷ - اسم خانوادگی شخصیت ردیف ۴۸ همان برک هم ریاض کرمانی است و نه ریاضی و حالیه دکترو جراح دندان پزشکی و دانشمندان و اساتید معروف هستند .

۸ - نام کوچک آقای زرگر - اهل رشت آقاخان بوده است و نه آقاخان .

۹ - دکتر شیدفر ، زین العابدین هم عرض کرده ام قبل از سفر بفرانسه لیسانس حقوق داشتند .

۱۰ - نام پدر آقای دکتر ابوالحسن

شیخ چنانکه خودشان طی یادداشتی مرقوم داشته اند و بدست آمد دکتر محمد شیخ احیاء - الملك معاون و کفیل بلدیة یعنی شهرداری تهران بوده دکتر ابوالحسن خود در سال ۱۲۸۵ شمس در تهران متولد شده تحصیلات اولیه را در مدرسه صنعتی ایران و آلمان تهران تمام کرده و پس از عزیمت باروفا در دانشگاه فردریک ویلهلم برلین و دانشگاه

بقیه از صفحه ۶۴

مخصوص عمومی آنها طوری باشد که همه کس نتیجه آنها محسوساً به بیند مثلاً قسمتی که برای راه آهن است بی موقع نیست و نکن آنها باید موعده داشته باشد و دائمی نباشد بهر حال عقیده من اینست که اضافه از حق گمرک و عایدی راه آهن اگر چیزی بگیرند باید اختصاص بدهند به ساختن کارخانه های قند و هر سال از این محل یک شرکت ایجاد شود مثلاً یکی در تهران ، یکی در خراسان دیگری در آذربایجان ، دیگری در فارس دیگری در گرگان و هر جا که جای مناسب و مساعدی برای کشت چغندر یا نیشکر داشته باشد و بوفور و خیلی ارزان بعمل آید و اراضی بائر

بن رشته شیمی را تا درجه دکترا پایان داده اند .

۱۰ - درخاته توضیحی که معروض داشته و بامر عالی جناب مدیر جزء نامه ها و اظهار نظرها از برگ ۶ تا پایان صفحه ۱۰ شماره ۳۹ آن مجله درج شده يك اشتباه املائی و چند بهم ریختگی از طرف حروف چین های شریف چاپخانه رخ داده است که ضرورت احترام و صحت مندرجات مجله و نشریه نفیسی مانند خاطرات و حید اقتضا می کند اصلاح و یاد آور بشود بدین توضیح که بنده نوشته بودم : خداوند تمام بندگان خود را تندرست و سلامت و از هر گونه گزند و آسیب و عیب و آك ، حقد و حسن عصون و محفوظ و موفق و منصور بدارد آمین یا - رب العالمین ، چه بقول حافظ :

وفا کنیم و ملامت اکشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافر است رنجیدن ا و حال آنکه در چاپخانه اولاً - عیب و آك را عیب بزرگه چیده ثانیاً مطالب بعد از سطر ۳۴ ستون دوم را در او آخر ستون اول برده اند و بیباستی دنبال هم بچینند و سطر های اول ستون دوم را بعد از سطرهای ۳۴ ستون اول بگذارند و گر نه مطلب هوش میشود چنانکه شده است . (ادامه دارد) مستعدی در آنجا وجود داشته باشد این شرکتها ممکنست بالمناصفه بین دولت و تجار محل تأسیس شود و یا يك ثلث مال دولت و دو ثلث از مردم باشد و دولت در آتیه سهم خود را بفروشد و پول آنها صرف شرکتهای دیگر که لازمست بکنند .

در ضمن امتحاناتی در خصوص نیشکر و زردک و انگور بکنند به بینند کدامیک قند بهتر و ارزانتر میدهند و اراضی بائر را در لرستان ، مغان ، اهواز ، آذربایجان و غیره خاصه جاهائی که دیم بعمل می آید امتحان کنند و بالاخره بقدری کارخانه ایجاد کنند که مملکت را از حیث احتیاج به قند و شوکر و مسکر اشباع کنند . (ادامه دارد)